



﴿ قیمت اشتراك سالانه ﴾

طهران دوازده ( ۱۲ ) قران  
 سایر بلاد ایران هفده ( ۱۷ ) قران  
 مائک خارجه دو ( ۲ ) تومان  
 ﴿ قیمت تک نمره ﴾  
 طهران چهار ( ۴ ) شاهی  
 سایر بلاد ایران ( ۵ ) شاهی

فاذا نفتح في الصور فلا انساب بينهم

هنگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و نواهی  
 که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته  
 میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است ،  
 یا کتبهای بدون [ نمر ] قبول نخواهد شد ،  
 و چون آئونه از هر کس و از هر جامه گرفته میشود

﴿ عنوان مسلات ﴾

میرزا جهانگیر خان شیرازی و  
 میرزا قاسم خان تبریزی  
 ﴿ طهران نزدیک امامزاده یحیی ﴾  
 ﴿ کوجه مسجد فاضل حلخالی ﴾  
 دبیر و نگارنده میرزا علی اکبر خان قزوینی  
 بجنوبه ۹ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری

( این سخت گیری و رفتار غیر منصفانه هم مثل سایر  
 مواد معاهدات ما با سایر دول است که ابواب سعادت و  
 ترقی را بر روی ملت بیچاره بسته ! ! )  
 ( ۵ ) از مشترکین عظام بلاد داخله که رسماً  
 از اداره قبول آئونه نموده و تاکنون وجه اشتراك را  
 نپرداخته اند متمنی است براتیا [ نمر ] ارسال دارند .

﴿ بقیه از نمره قبل ﴾

دولت پس از اعلان [ ویبورگ ] یعنی دستور العمل  
 وکلای روسیه بموکابین خود در عدم تأدیه مالیات و  
 سرباز ، وکلای مزبور را بقاعده [ الحکم لمن غلب ]  
 برای همین توصیف نوع پرستانه که دفعی مشروع از مهاجمین  
 آزادی و آسایش بود بتهمت آشوب طلبی بدیوانخانه  
 جلب نمود .

نقل قسمتی از اسناد طاقات اشخاص معظم برای فداکاری  
 وکلای هر قوم و جان بازی نمایندگان هر ملت در راه ابتنا

﴿ اعلام ﴾

( ۱ ) ضامن وجوه آئونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد  
 داخله و خارجه وکلای محترم اداره اند .  
 ( ۲ ) اجرت اعلان سطری دو قران ، در صورت تکرار  
 تخفیف داده میشود .  
 ( ۳ ) اگر تا انتشار شماره ۲۶ وجه اشتراك اوراقی صور  
 اسرافیل را وکلای عظام اداره نپردازند دیگر روز نامه  
 بجهت آنان ارسال نخواهد شد و قیمت ۲۶ نمره را که  
 بدهی ایشانست گرفته میشود .  
 ( ۴ ) وکلای کرام ( و مشترکین محترم ممالک خارجه که  
 رسماً از اداره قبول اشتراك نموده اند ) وجوه آئونه را  
 برات ارسال نمایند زیرا که مسکوکات و [ اسکناس ]  
 را در پستخانهای سرحدی مملکت روسیه محجر میکنند  
 تا قبوض امضا شده صاحبان وجوه را از بلاد داخله  
 اداره پست ایران بدانجا بفرستد و بعد از چند ماه معطلی  
 مبلغی صاحبان پول بدهند و آن وجوه را دریافت نمایند

وطن بهترین نمونه و نیکوترین سر مشقی است .  
وقتی از [ کوکوشکین ] که یکی از نمایندگان شهر  
[ مسکو ] است دخول او را در هیئت امضا کنندگان اعلان  
[ ویبورگ ] استفسار میکنند در جواب میگوید :  
بلی من اعلان ویبورگ را امضا کرده ام ، ولی این  
معنی مرا چگونه مقصر تواند کرد ؟

ای قضات مملکت و ای وکلای طبقات خوب است  
من بدو قدری از آن مقدمات که مرا مجبور باوضای  
این اعلان کرد شرح دهم و پس از آنهم بگویم که بچه  
دلیل خود را مقصر نمی شمارم .

اعلان مزبور مسئله ایست از مبحث بزرگ : یعنی  
مبحث روسیه قدیم و روسیه کنونی ، ماها هر جا که  
باشیم شرح این معما را قرض خود می شماریم و چه بهتر  
از اینکه بث این شکوی را در اینجا بنمایم چه یقین میدانیم  
که در اینجا حرفهای ما را استماع خواهند نمود .

ما نمایندگان و مبعوثان ملت بودیم ، و علاوه بر  
این نمایندگان نخستین [ پارلمان ] وطن خود محسوب میشدیم  
، ممکن است ملت روس بواسطه کمی تجربه یا عدم اطلاع  
از [ پلتیک ] عصر حاضر ما را انتخاب کرده باشند ، لیکن  
درین حرفی نیست که تمام امید واری ملت بما بود ،  
و اجرای کلمه مقاصد خود را از ما میخواست ، ملت  
از ما همه چیز متوقع بود ، و پیش از همه تغییر ترتیبات  
دولتی پیش را به اوضاع جدیده مطالبه مینمود . در حقیقت  
توقع و در خواست این معنی مسئولیتی گران و تکلیفی سنگین  
بر ما تحمیل می کرد ، لیکن ما از نقل این بار هراسی  
نداشتیم ، چه باحتیاجات ملت بدرستی آگاه و به طرق  
رفع آنها نیز بخوبی بصیر بودیم .

ما میخواستیم روسیه را در عداد ممالک آزاد داخل کنیم  
: یعنی اوضاع را بخوبی ترتیب دهیم که در مملکت قدرت  
قانون و حقانیت از هر قدرتی بالاتر شده شخص اول  
سلطنت با پست ترین رعایا در متابعت آن مساوی باشند .  
ما در صدد بودیم که وطن خود را خوشبخت و  
نائل به اوج سعادت و سعادت نمایم و برای پیشرفت این  
مقصد اعلیٰ تنها چاره مؤثر و آخر الدوا آسوده کردن  
طبقات پست مملکت بود .

ما بر آن سر بودیم که روسیه را مملکتی مقتدر نموده

و با همه اختلاف نژاد و مسکن مملکت را در داخل و  
خارج صاحب وحدت پلتیک نمایم .  
در تمام این عقاید همه ما با هم متحد و متفق بودیم و در  
پیشرفت این مقاصد مقدسه هم آواز و هم قوه سعی  
مینمودیم ، اما آفسوس که از سوء اتفاق اجرای همه  
خیالات ما بسته بیک هیتی دیگر بود که آنرا عادتاً  
دولت می نامیدند .

در مسئله تقسیم اراضی وزرا جواب دادند : ممکن  
نیست ، و سعی نمودند تا [ دو ما ] منفصل شد و در انفصال  
دو ما بر خلاف قانون اساسی رفتار کردند ، و چون  
این انفصال از روی ترتیبات موضوعه نشد در معنی  
حکم انفصال همان اعلان جنگ بود ، ما هم در مقابل  
این اعلان جنگ بتوسط اعلان [ ویبورگ ] بملت اجازه  
دفاع دادیم ( در اینجا و کبیل معظم در ضمن نطقی طویل  
مدلل می کنند که در سلطنت شوروی در موقع تخطی  
به ( کنستی توسپون ) دفاع یکی از حقوق مسلمة ملت  
و اس اساس سلطنت مشروطه است و صریحاً می گوید  
که اعلان ویبورگ را بهیچوجه دولت نمیتواند اقدام  
آشوب طلبانه و [ آنارشیتی ] بنامد چه این دفاعی  
بود مشروع در مقابل حمله غاصبانه ) بعد میگوید :  
از این نقطه نظر است که ما مقصر نیستیم و خود را مقصر  
نمیدانیم ، ولی اینرا هم بدرستی مسبقیم که همیشه مغلوب  
گناهکار است ، وای بر مغلوب !! و نیز مستحضریم  
که ما را مجازات خواهند داد ولی مامدتی است که خود را  
برای آن مستعد و حاضر کرده ایم .

آیا صدماتی را که بر ما وارد خواهند کرد  
در مقابل آنهمه تعب ورنجی که مات عزیز ما متحمل  
شد و آن سببهای خون و قربانیهای بی حسابی را که  
داد چه اهمیت و چه لیاقت دارد ؟ ! !

بالاخر بگویم لطمات وارده بر ما در برابر آن پأس  
و ناامیدی که در قضای حوائج ملت و ترقی مملکت بما  
دست داد قطره از دریا و ذره از خورشید است .

باز میگویم و تکرار میکنم که مقصود ما آسایش و  
ترقی روسیه بود ولی چون عادت بر این است که پیشرفت هر  
متصودی عالی قربانی و خون میخواد حالا که قرعه  
این فال مبارک را بنام ما زده اند با تمام دل و شوق

مفرط حاضر و آماده ایم .  
 ملت عزیز ما هنگام فرستادن ما به مجالس جشنها گرفتند  
 و اظهار مسرتهای فوق العاده نمودند . و پس از آنکه  
 ما اعلان ویدورگ را امضا نموده باو طان خویش برگزیدیم  
 و از طرف پلیس و دولت ما را تعاقب می کردند رعایا  
 جلوگیری مینمودند و در دستگیر نشدن ما از توبل هیچ  
 زحمت مضایقه نکرده در حراست ما میکوشیدند . آیا  
 این رضایت عمومی و فداکاری ملت برای ما بهتر از هر  
 چیز نیست ؟ و آیا در مقابل این حق شناسی ملت و  
 محبت خاص آنان نسبت ب ما باز از مجازات خواهیم ترسید  
 ؟ - ابدأ هیچوقت ما از مجازات ترسی نداریم .  
 از جان دادن در راه ملت حق شناسی نمی بخود راه  
 نمیدهم . اگر ما از مجازات هراسی داشتیم ناچار اعلان  
 ویدورگ را امضا نمی کردیم . ملت این حرکات دولت  
 را نسبت به مبعوثان خود فراموش نخواهد کرد و با سرعتی  
 هر چه تمامتر بتمام مقاصد مشروع خویش خواهد رسید  
 ، بلی حق و حقایق همیشه پیش میرود و باطل و نابود  
 و مضمحل خواهد شد .

بقیه دارد

### تشریح

چندیست بسی و همت جوانان دانشمند وطن بجمعی موسوم  
 به [ انجمن فرهنگ ] در طهران منعقد شده که میتوان  
 گفت دارای اسمی بامسمی و آثار آن بروشنی آفتاب هویدا  
 ست زیرا که سوای حفظ ایسای مشروطیت و وطن پرستی  
 که مسلک حقیقی این انجمن است ترویج معارف و نشر علوم  
 را نیز بعهده گرفته و اطاقهای درسی برای تدریس طبقه  
 اکابر تهیه کرده که هفته شش شب زبان فرانسه ، انگلیسی  
 ، صرف و نحو عربی ، تاریخ ، جغرافی ، حساب  
 و دفترداری مجاناً درس گفته میشود ، و لوازم تحریر متعلمین  
 را نیز صندوق انجمن میدهد و تا کنون یکصد و هشتاد  
 نفر شاگرد را این دبستان پذیرفته و متی بر اهالی این  
 شهر گذشته که ادای شکرانه آن بر همه کس لازم و واجب  
 است .

روزنامه [ کاسی ] منطبقه باد کوبه هم از راه قدر  
 شناسی شرحی در تمجید این انجمن مقدس نکاشته است

### وقعه ناگوار

روز جمعه ۲۵ صفر ۱۳۲۶ سه ساعت قبل از غروب  
 آفتاب اعلیحضرت اقدس هایونی هنگامی که بنیم فرح آباد  
 از خیابان پشت تکیه بر بریها عبور مینمودند در حالتیکه  
 [ اتومبیل ] و کالسکه مخصوص اعلیحضرت محبط به  
 سوارهای کشتیکخانه و ذر دوطرف جاده پلیس و [ ژاندرم ]  
 بقطار ایستاده بودند یک عدد [ بمب ] در نزدیک اتومبیل  
 تر کیده عقب اتومبیل را سوراخ سوراخ و چند نفر را  
 نیز مجروح و مقتول نموده ! در صورتیکه از حسن اتفاق  
 و نیک بختی ملت کالسکه را که اعلیحضرت سوار بودند  
 در صد قدمی اتومبیل حرکت میکرد و از شتر و از اسب  
 مصون مانده و عموم ملت را قرین شادی و انبساط نمود ،  
 یک بمب دیگر نیزها وقت در کوچه نزدیک تکیه بر بریها بلافاصله  
 محترق شد ( از اتفاقات غریبه در روز جمعه در [ بوآزر ]  
 پای تخت [ آرزاتین ] از ممالک [ یسکی دنیای جنوبی ]  
 هم بمب بوزن بیست [ پوند ] ( سه من و نیم تبریز )  
 بطرف رئیس جمهور آنها از عمارت فوقانی انداخته اند و  
 در جنبیکه جلو او می افتاده با پای خود بفاصله یکصد  
 قدم آزر ابرت میکند و در وقت احتراق آسبی بدو نمیرساند ! )  
 از اینرو بلافاصله بساط عیش و شادکامی در تمام شهر  
 طهران منبسط شد و یک شب در بازارها و کاروانسراها  
 و سه شب متوالی در سر در بعضی خانها و انجمن ها و  
 خیابانها چراناغان بود ، و تمام این اظهارات مسرت و سرور  
 که فقط ناشی از حسن محبت مخصوص ملت نسبت بذات  
 ملوکانه و بدون حکم حاکم یا امر بلدی بود بهترین دلیلی  
 بر حسن احساسات ملت بالنسبه بشخص اعلیحضرت هایونی  
 میباشد ، و از طرف دیگر بیغامات مرحمت آمیز اعلیحضرت  
 شهریاری نیز در جواب تبریک انجمن ها و فرمایشهای  
 حضوری ملوکانه به وزرا و وکلای تمام حاکی از حسن نیت  
 و اطمینان کامل ذات شاهانه نسبت بملت میباشد .  
 و راستی برای ایران چه خوشبختی ازین روابط محبت

ذات‌البین و مناسبات و دادیه دولت و ملت بالاتر خواهد بود ؟ و آیا کدام دسیسه ارباب غرض و حيله و نمامی دشمنان ایران بارگان این اتحاد و اتفاق صمیمی خللی وارد خواهد نمود ؟

بلی چیزیکه ملت حق شناس ایران را بی اندازه درین وقعه هائله دلفنک نموده و بهیچوجه خود را نمیتواند تسلی داد پیش آمدیست که در موقع وقوع این حادثه روی داد و آن اینست که

بمحض ترکیدن [ بمب ] تمام سوارهای کتیکخانه که تا آن ساعت حافظ و حارس اعلیحضرت هایونی بشمار می آمدند و سادکی دروغی و شاه برسقی جعلی پاشا خان امیربهدار جنک آنرا تا مین مینمود تماماً از جلو و عقب شلیک کنان رو بفرار گذاشته جمعی را مقتول و عموم عابرین بیچاره را لخت کرده !!! دواسب از کالسکه مصدق السلطنه و دو اسب دیگر از [ واگون ] باز کرده بردند و سپهون آقانام ارمی را در خیابان جلبل آباد از درشکه پائین کشیده ساعت و اشبا چیب اورا خالی کردند ! و درحسن آباد همین سوارها دکانی را غارت نموده و از قرار مذکور يك نفر را بقتل رسانیدند !! و سربازهای فوج سبلاخور حافظ عمارت کاستان نیز عازم چاپیدن شهر شدند ! ! و این درست همان وقت بود که اعلیحضرت پادشاه ایران نیم ساعت تمام در خانه مجلل الملك کالسکه چی باشی بکوه تنها از خود دفاع میفرمودند .

بلی احساسات عمومی ملت را هیچوقت نمیتوان تکذیب کرد این همان امیر بهادری بود که با غلام های کشیک خانه تمام اروبارا تسخیر مینمود ! و ارواح تمام اولیا و شهدا را برای کمال شاه برسقی و جان نثاری و فدا کاری غلامهای کشیک خانه شاهد میگذرانید ! در موقع آسایش و سلامت فرد فرد اهل ایران ممکن است همین دعورا تکرار کنند و پای لاف و گراف را بالاتر از آنچه امیربهدار اظهار می کند بگذارند ، لیکن در چنین وقتی به صحت پیش بینی های ملت میتوان معتقد شد و احساسات عمومی ملی را ممکن است تصدیق نمود .

و ما بواسطه مذاکراتی که [ مسیو وارنه ] فرانسوی اتومبولیجی اعلیحضرت نموده بهیچوجه نمیتوانیم جلو سوء ظن خود را بگیریم و خدا بمحقق امور دانتر است .

مسیوی مزبور در گمرک میگوید « وقتی که من اتومبیل را بدرب اندرون بردم دیدم پرده های داخلی آنرا پائین انداختند ، گمان کردم که اعلیحضرت به اتومبیل سوار خواهند شد بعد دیدم سوارها و مستحفظین شاه اتومبیل را احاطه نموده به من امر حرکت دادند . گفتم اگر اعلیحضرت با اتومبیل سوار نخواهند شد علت انداختن پرده ها چیست ؟ گفتند اعلیحضرت سوار نخواهند شد من از این مذاکرات قدری بد گمان شده گفتم این کار صحیح نیست و اگر خطری مقصود است چرا مرا دچار آن مینمایید . اعتنائی بگفتار من نشد ! خواهی نخواهی اتومبیل را راندم تا اینکه سوارهای تکبه بر برها در دست بکنفر چیزی در دستمال خانه شطرنجی دیدم که بطرف اتومبیل انداخت من اتومبیل را تند کردم ولی فوراً صدا بلند شد ، خرق هوا نزدیک بود مرا پرت کند اتومبیل را را نگاه داشته بکناری رفتم بعد از چند دقیقه که بر کشتم احدیرا ندیدم فقط يك نفر از راهگندو را دیدم که یکی از سوارهای کشیکخانه با گلوله بدھانش زده او را کشت ! ! »

بعد از احتراق بمب اعلیحضرت هایونی از کالسکه به سرعت پائین آمده خواستند داخل خانه میرزا حسین خان کمال بشوند ولی چون در بسته بود بجائیه که نزدیک خانه مزبور و متعلق به مجلل الملك است وارد شدند . و پس از نیم ساعت که حافظین وفادار اعلیحضرت از سلامت ذات اقدس ملوکانه مطمئن گردیدند کم کم از حیاول و غارت دست کشیده از اطراف جمع شدند . ولی چون جاده تنک بود و کالسکه شش اسبه بسانی بر نمی گشت اعلیحضرت هایونی با سی نفر سرباز [ گارد ] توبخانه پیاده تا عمارت کاستان مراجعت فرمودند .

فردای آروز دو ساعت از روز گذشته دو نفر باغبان نظیزی که از درب اندرون وزیر مخصوص خاک روبه می برده اند بواسطه فشاری که به دو بمب که زیر خاک روبه ها پنهان بوده وارد می آورند یکی از دو بمب تر کیده هر دو نفر را می کشد و بعد از دو ساعت بمب دوم را از زیر خاک بیرون آورده به نظیه بردند .

اعضاء نظیه مرکزی حکومت محلیه و حکمرانهای شهرهای نزدیک یا نخت بلا استثناء از همان ساعت

در صدد گرفتاری مرتکب برآمده و معمول تفتیش مجذبه شدند و از جمله چند نفری را در حضرت عبدالعظیم و قزوین عامل اینکار تصور نموده دستگیر کردند و پس از تحقیق و استنطاقات لازمه بی قصیری آنها ثابت شده مرخص شدند .

ولی در خانه بی سکنه نزدیک تبریز بر برپاشش عدد [ کپسول دینامیت ] و دودانه بمب و یک ریش مصنوعی بدست آمده که هنوز اهالی خانه مفقود میباشند .

از قرار تقریر سید غلام رضا خان زرگر مرندی آذربایجانی که صاحبان آن دو خانه را میشناخته و در ۳ صفر ۱۳۲۶ در اداره نظمیہ استنطاق شده و فرماز ساکنین آن خانه یا شاپشال خان خصوصیت داشته و میفرموده اند ، و گوهای برخی [ بمب ] را هم در چند ماه قبل [ شیدا یوسف ] آذربایجانی که از جمله اشراو [ شارلتان ] و دو مجسم دولتی مجوس است برمیخته گر خیابان چراغ کاز بلم سر آبپاش دستورالعمل داده بوده است بریزد .

با اقدامات مزبوره پس از ۹ روز از واقعه هائله دستخطی از طرف اعلی حضرت مایوفی خطاب بمجلس مقدس شوری صادر شده که صورت آنرا ذیلا می نگاریم و عقاید ملت و خودمانرا در این معنی به آزان اظهار مبداریم ، این است صورت دستخط

دوقصر گلستان طهران

مجلس شورای ملی مکنتون خاطر ما پیوسته چنین بوده و هست که در ضمن تمهید موجبات استحکام در مشروطیت بقسمی اسباب جهت حواس و وزرا و وکلای خود را فراهم نماییم که بتوانند بالاتفاق اسباب آسایش عامه را بطوری آماده نمایند که ریشه فساد بلرزه منقطع بوده و اقویا و ضعفای ملت ایران از نعمت صحت و امان طوری بهره مند باشند که عاجزترین رعایا در مهد امن و امان از هر گونه صدمه و آسیب مصون بوده بتوانند عوض دفاع هم خود را مصروف حفظ و آبادی وطن و تحصیل شرافت و ثروت و مکنت نمایند ، ولیکن ملاحظه نمایند در حالتیکه اساس امنیت برای شخص سلطنت تا ایندرجه متزلزل باشد رعایای ممالک دور دست و اهل تنور و سرحد و فقرای ملت اسلام و مطلق رعایا چگونه میتوانند از جان و مال خود ایمن و راحت باشند ،

مبداریم که از این سوء فصد که برای ما شده تا چه درجه خاطر وکلای صدیق و امین مشوش و پریشان است ولیکن انتظار داشته و داریم که از طرف مجلس بیشتر و زیادتیر از شخص خود ما در تعیین محرکین و گرفتاری مرتکبین اولیای امور تأکید و تشدد بعمل آید ، تا کنون که ۹ روز است از این مقدمه گذشته اثری و حاصلی نشده است بیم آن داریم که مرور ایام و لهایی اهمیت این قضیه را در انظار و افکار منسی داشته اقدامات جدی را که میبایست خیلی بیشتر از اینها در انموقع بمقام بروز آید سست و بلال بلرزه مسکوت عنه بگذارند اینست بالضرورة خاطر وکلای ملت را آنگاه مبداریم ما نه محض محافظت وجود خودمان که نگهبان آن فضل خداوند متعال است بلکه برای استقرار امنیت و بجهت آسایش یک مملکت بزرگ اسلام ما گزیریم که اگر تا چند روز دیگر هم اثری در تعیین محرکین و دستگیری مرتکبین ظاهر نشود باقتضای تکلیف شخصاً خودمان اقدامات مجذبه بعمل آوریم که خیانت مجرمین هویدا و اغراض مغرضین آشکار و پیدا شود ، و از مراتب شاه پرستی و صداقت وکلای خیر خواه انتظار داریم که در نیل این مقصود مشروع تا همه جا با خیالات ما همراهی کرده دولتخواهی خود را بهمالپان واضح خواهند کرد .

این بود صورت دستخط .

عوام ملت این دستخط را بمنزله تمام حجت [ اولتیا ] توم [ فرض کرده و هزاران خیال بریسان و موحدش در ضمن آن مندرج می بینند . یعنی تصور می کنند که اولیای دولت عامه این سوء قضا را دست آویز کرده و سلب شفقت از ودایع الهی یعنی ملت نموده و باین بهانه درصدد اقدامات جائزانه می باشند .

و حیرت خواص قوم نیز از طبقه اولی کمتر نیست . چه این معنی مبرهن است که اقدامات ملل مختلفه دنیا در ممالک متعدده روی زمین برای برقراری اساس سلطنت حقه شو روی و ایشمه فدا کاریها و جان بازیها که در کره ارض برای پیشرفت این مقصد اولیه عقلای دنیا شده است تمام برای این بوده که دوقوه نرک اساس سپاست که قوه مقننه و قوه مجریه است از هم مجزی شده و برای هر یک دسته علیحده تعیین شده و دخالت در امور یکدیگر

شاید .

از زمان میرزا تقی خان الی حال اصلاح طلبان ایران به صدای واحد نخریه این دو قوه را خواستگار و عدم اختلاط آن دو را بیکدیگر مطالبه می کنند .

و نتیجه قریب به سال عامه دادگاری ملت ایران و اینمه جانبازی مشروطه خواهان فقط يك فصل قانون اساسی بود که دولت علیه ایران و شخص شخص اعلیحضرت همپونی آرا تصدیق و امضا فرمود ، و ما محض تذکر اثرلای دولت علیه ذیلا آنرا تکرار میکنیم .

اصل بدست و هضم . قوای مملکت بیه شعبه منشعب میشود .

اول - قوه مقننه . . . . .

دوم - قوه قضائیه . . . . .

سیم - قوه اجرائیه . . . . .

و در ذیل قوه سوم که قوه اجرائیه است صریحاً مندرج است که قوه اجرائیه مخصوص پادشاه است . یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همپونی اجرا میشود به ترتیبی که قانون معین می کند .

در مقابل این فصل اصلی و ماده مده قانون اساسی سلطنت مشروطه حقه ایران که موشح بامضای اعلیحضرت پادشاه ایران است صدور این دستخط حفاً موجب تخیر خواص و عوام ملت شده !!!

چه این دستخط قوه اجرائیه را نیز جداً و بطور [ اولیها نوم ] به مجلس مقدس شورای ملی شهادت رکنها واگذار مینماید ، یعنی کار قوه اجرائیه را که بموجب فصل مزبور قانون اساسی مخصوص پادشاه است از قوه مقننه که مجلس شورای ملی است میخواهد !!!

در صورتیکه حق و وظیفه مجلس شوری فقط ایحاد یعنی استخراج قوانین از منابع شریعت می باشد ، و اینهمه فریاد روزنامه نگاران و عقلای طبقات ملت تا بحال این است که چرا قوه اجرائیه بامور راجبه بخود رسبندی نموده و مجلس را مجبور و مشغول باعمال اجرائیه مینماید ، و چرا وکلای ملت باتمام قوی اجرای تکالیف اجرائیه را از کارکنان دولت نخواستند و در یاره موارد بامور راجبه بانها از روی کمال اجبار دخالت میکنند !!!

در مرحل با کمال تضرع و ابتهاال اینک ما و عموم

ملت از پیشگاه اعلیحضرت همپونی استدعا میکنیم که این فصل قانون اساسی را از نظر حدید ملوکانه دور نداشته و اختلاط این دو قوه را که با هزاران بذل خون و ملبون هاصرف مال تازه از هم مجزیه میشود بهم مخلوط نفرمایند . و همان طور که در قانون اساسی مصرح است اجرای قوانین و احکام صادره از مجلس مقدس را بوزراء و مأمورین دولت واگذار فرمایند که به ترتیبات قانونی معمول دارند ، و الاسلام علی من التبع الهدی .

### چرندک پرنده

دروس الاشیاء

نه نه ! - هان - این زمین روی چیه ! - روی شاخ گاو ، - گاو روی چیه ؟ - روی ماهی ، - ماهی روی چیه ؟ - روی آب ، - آب روی چیه ؟ - وای وای !! الهی رودت نه بره ، چقه شده خرف مزنی حوصلم سر رفت .

آفتابه لگن شش دست شام و نهار هیچی

آفتابه لگن شش دست شام و نهار هیچی ! گفت نخور ، عمل و خربزه با هم نمیسازند ، تشنبد و خورد ، يك ساعت دیگر یارورا دید ، مثل مار بخودش می پیچد ، گفت نکفم نخور این دوتا با هم نمیسازند گفت حالا که این دوتا خوب با هم ساخته اند که من یکی را از میان بردارند !!!

من میخواهم اولیای دولت را به عمل و رؤسای ملت را به خربزه تشبیه کنم ، اگر وزارت علوم بگوید تو همین است حاضرم دو بست و بجاه حدیث در فضیلت خربزه و بکصد و جهل و نه حدیث در فضیلت عمل شاهد بگذرانم .

صاحبان این جور خیالات را فرنگی ما ( آنا رشیست ) و مسلمانها خوارج میگویند ، اما شمارا بخدا خالادست خونی نمیسپید بخته من ، خدا پدرتان را بیامرزد من هر چه باشم دیگر آنا رشیست و خوارج نیستم .

من هیچوقت نمگویم برای ما بزرگتر لازم نیست ، میان حیوانات بی زبان خدا هم شیر پادشاه درندگان است و بصریح عبارت شیخ سیدی سپاه گوش هم رئیس الوزر

است ، و بلکه دزاز گوش هم رئیس کتبهخانه باشد .  
 میان مپوه ها هم کلابی شاه مپوه است ، و کلام  
 هم شاید يك چیزی باشد ، و اگر مشروطه هم به  
 نباتات سرایت کرده باشد که سبب زمینی لابد . . .  
 ( چه عرض کنیم که خارا خوش بیاید ) ، بازی برویم  
 سر مطلب :

من هیچوقت نمگویم اشرف مخلوقات از حیوان و  
 نبات هم پست تر باشند ، من هیچوقت نمگویم خرو  
 کاو رئیس و بزرگتر داشته باشند ، چقدر زردک پیشوا  
 و آقا و نماینده داشته باشند و ما اشرف مخلوقات را دهنه  
 مانرا بزنند بسر خودمان .

من درست آنان یادم هست که خدا پیامرز خاله فاطیم  
 هر وقت که ما بچه ها بعد از پدر خدا پیامرزم شیطانی می  
 کردیم ، خانه را سر می گرفتیم میگفت الهی هیچ خانه  
 بی بزرگتر نباشد .

بزرگتر لازم است ، رئیس لازم است ، آقا لازم  
 است ، رئیس ملتی هم لازم است ، رئیس دولتی هم  
 لازم است ، اتفاق و اتحاد این دو طبقه یعنی ساختنشان  
 هم با هم لازم است ، اما تا وقتی که این دو تا با هم  
 نسازند که ما یکی را از میان بردارند .

این را هیچکس نمیتواند انکار کند که ما ملت ایران  
 در میان پست کرور جمعیت پنج کرور و سبصد و پنجاه  
 و هفت هزار نفر وزیر ، امیر ، سپه سالار ،  
 سردار ، امیرنویان ، امیرتومان ، سرهنک ،  
 سربپ ، سلطان ، یاور ، میرنجه ، سفیرکبر ،  
 شازردافر ، کنسپه ، بوزباشی ، دهباشی ، و پنجه  
 باشی داریم . و گذشته ازینها باز ما ملت ایران در میان  
 پست کرور جمعیت ( خدا برکت بدهد ) شش کرور  
 و چهار صد و پنجاه دو هزار و ششصد و چهل و دو نفر  
 آیه الله ، حجة الاسلام ، مجتهد ، مجاز ، امام  
 جمعه ، شیخ الاسلام ، سپید ، سند ، شیخ ،  
 ملا ، آخوند ، قطب ، مرشد ، خلیفه ،  
 پیر دلیل و پیش نماز داریم ، علاوه بر اینها باز  
 ما در میان پست کرور جمعیت چهار کرور شاعرزاده ،  
 آقا زاده ، ارباب ، خان ، ایلخانی ، ایل بیگی ،  
 و اهباشی داریم ، زیاده بر اینها اگر خدا بگذارد

این آخریها هم فریب دو سه هزار نفر و کپل مجلس ،  
 و کپل انجمن ، و کپل بلدییه ، مذهبی و دفتر داروغیره داریم .  
 همه این طبقاتی که عرض شد دو قسم بیشتر نیستند  
 يك دسته رؤسای ملت و يك دسته اولیای دولت ،  
 ولی هر دو دسته يك مقصود بیشتر ندارند ، مپگویند  
 شما کار کنید زحمت بکشید آفتاب و سرما بخورید سخت و  
 عور بگردید گرسنه و تشنه زندگی کنید بدهید ما بخوریم  
 و شما را حفظ و حراست کنیم ، ما چه حرفی داریم ،  
 فیضشان قبول ، خدا بهشان توفیق بدهد ، راسق  
 راستی هم اگر اینها نباشند سنك روی سنك بند نمی کرد  
 ، آدم آدم را مبخورد ، تمدن و تربیت ، بزرگی و  
 کوچکی از میان میرود ، البته وجود اینها کم یا زیاد  
 برای ما لازم است . اما تا کی ؟ بکمان من تا وقتی که  
 این دو تا با هم نسازند که ما یکی را از میان بردارند .

من نمگویم ملت ایران يك روز اول ملت دنیا  
 بود و امروز بواسطه خدمات همین رؤساء سنك تمدن عصر  
 حاضر است . من نمگویم که سز حد ایران يك وقتی از  
 پشت دیوار چین تا ساحل رود [ دانوب ] متمدن میشد  
 و امروز بواسطه زحمات همین رؤساء اگر در تمام طول و  
 عرض ایران دو تا موش دعوا کنند سر یکی بدیوار خواهد  
 خورد . من نمگویم که با اینهمه رئیس و بزرگتر که همه  
 حافظ و نگاهبان ما هستند پرروز هیچده شهر ما در  
 قفقاز باج سیبیل روسها شد ، و پس فردا هم بقیه مثل گوشت  
 قربانی سه قسمت میشود . من نمگویم که سالهای سال  
 است فرنگستان رنگ [ و ] و طاعون ندیده و ما چرا هر  
 يك سال در میان باید يك کرور از دست های کار کن  
 مملکت یعنی جوانمردها و جوانه زنهای خودمانرا بدست  
 خودمان بگور کنیم ! ! !

من نمگویم درین چند قرن آخری هر دولتی برای  
 خودش دست و پائی کرد ، توسعه بخاک خودش داد ،  
 مستعمراتی تربیب نمود و ما با اینهمه رئیس و بزرگتر و  
 آقا بحفظ مملکت خودمان هم موفق نشدیم .

بله اینها را نمگویم ، برای اینکه مبدانم بر گشت  
 همه اینها بقضا و قدر است ، اینها همه سر نوشت ما ها  
 بوده است ، اینها همه تقدیر ما ایرانیهاست .  
 اما ای انصاف دارها ، والله نزدیک است بخرجه خودم

بره بخارجه بر آن ساحت مقدس پوشیده نیست مستدعی هستیم تلگراماً مقرر فرمایند که حکام و انجمن های ایالتی جداً در مقام منع برآیند .

( انجمن اسلامی ، انجمن انصار )

( \* )

✽ تلگرام شیراز بطهران با سیم انکلیس ✽

✽ ۱۰ مارس ۱۹۰۸ میلادی ✽

✽ ۷ صفر ۱۳۲۶ ✽

بتوسط انجمن های جنوب و بنی فاطمه و آذربایجان و اتحادیه طلاب بساحت مقدس دارالشورای ملی شهید الله ارکانها ، امروز صبح در حسنه قوام در موقع فاتحه قوام الملک به تحریک نصرالدوله غلامهایشان ( سوارها ) شلیک نموده جناب آقا شهبخ محمد باقر حجة السلام تیر خورده مشرف بموت است !! حاج سید احمد معین لاسلام را که معین مشروطیت و علم دارحریت ، و از بدو طلوع نیز مشروطیت جان خود را سپر تیر بلای مستبدین نمود کشته بعد قدغن کرده بنیت و پوریا جسدش را آتش زدند !! جمی از مسلمین را هم کشتند !! درین هنگام گویا سالار السطان هم بیایش تیر خورده .

ای سادات ، ای حمات مشروطه خون اولاد رسول را رنختند جسدش را آتش زدند !! مشروطه خواهان مخنه ، خانه ها بغارت اشرار ، گرت معاوتی دست میده درباب ، شهبخ هم شهید شد !!

✽ انجمن اسلامی ، انجمن انصار ✽

✽ اعلان ✽

✽ محاوره و مکالمه روسی بفارسی ✽

کتایست بجهت متعلمین زبان روسی ، در مطبعه یارسپان و تمام کتبخانه های طهران از قرا مجلدی خیراروده شاهی برای فروش موجود است . ولی بمکاتب و مدارس تخفیف داده میشود . در سایر بلاد اجرت پست علاوه بر قیمت است .

✽ اعلان ✽

کلیه مراسلات و تلگرافات اتحادیه طلاب باید بمنوان انجمن اتحادیه طلاب نوشته شود ولی محل وصول در مدرسه دارانشفا حجرة جناب مستطاب آقای حاج شهبخ محمد حسین خراسانی مدیر انجمن میباشد . ( اتحادیه طلاب )

بازه کم ، نزدیک است کفرو کاربشوم ، نزدیک است چشمهام را بگذارم رویهم دهنم را باز کنم و بگویم اگر نگارهای مارا باید همه اش را تقدیر درست کند ، امورات ما را باید باطن شریعت اصلاح کند ، اعمال ما را دست غیبی بنظام بندازد پس شما ملبونها رئیس ، آقا ، بزرگتر از جان ما بچارها چه میخواهید ؟ پس شما کرورها سرهارد و سپه سالار و خان چرا مارا دم کوره خورشید کباب می کنید ؟ ! پس شما چرا مثل زالو به تن ما چسبیده و خون مارا باین سمجی می مکید ؟ کیرم و سم شما بول ندارید سداهواز را به بنزید ، شما قوه ندارید قشون برای حفظ سرحدات بفرستید ، شما نمی توانید در مملکت بکشید ، اما والله بالله به سی جزو کلام الله شما آقدر قدرت دارید شهبخ محمود اما زاده جعفریرا از ورامین بطهران بخواید ، شما آقدر قوت دارید که صد نفر سرباز برای حفظ نظم یزد و خونخواهی قاتل سید رضای داروغه و پس گرفتن هفتصد تومان تاوان قمار اجزاء عدل الدوله از حجة الاسلام و ملاذالانام میرزاعلی رضای صدرالاسمای یزدی اطال الله ایام افادانه به یزد بفرستید . شما میتوانید که با یانصد نفر سوار میر هاشم را از سلطنت مملکت آذربایجان خلع کنید .

حالا که نمی کنید من هم حق دارم بگویم شما دودسته منزل عمل و خربزه با هم ساخته اید که ما ملت بیچاره را از میان بر دارید ، وزیر علوم هم ابداً میتواند بمن اعتراض بکند .

من دویست و پنجاه حدیث در فضیلت خربزه و یکصد و چهل ونه حدیث در فضیلت عمل در خاطر دارم در هر وزارت خانه شاهد میکنم ، میگوبند نه این گو و این میدان بگردید تا بگردیم ،

✽ مہما ✽

قربانوں اولم ، قورخپاسن ! قورخپاسن ! اللهم صل الله محمد !! و علاه م ح مد !!

✽ ایضاً تلگرام شیراز بطهران ✽

✽ ۲۶ محرم ۱۳۲۶ نمرة ۱۱۶ ✽

بتوسط انجمن جنوب و انجمن معظم اصناف بساحت مقدس دارالشورای ملی شهید الله ارکانها مضار حمل پوست

✽ طهران ، در مطبعه یارسپان بطبع رسیده ✽